

فروپاشی جناح‌ها و جابجایی در قدرت



◆ شهزاد اثنی عشری
روزنامه نگار و کارشناس علوم
سیاسی و بین الملل

برکناری بنی‌صدر، جریان‌های مشهور به 'چپ' و 'راست' در درون نظام شکل گرفتند که از سال ۱۳۶۱ به تدریج این جناح‌بندی‌ها به دولت و مجلس نیز سرایت یافت.

بحران اقتصادی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷، پایان جنگ، بازسازی کشور، خصوصی‌سازی و طرح مسایل جدید فرهنگی و سیاسی در کنار امور اقتصادی از عواملی بودند که زمینه‌ساز شکل‌گیری جناح‌های جدید در جامعه شدند.

انشعاب جامعه روحانیت مبارز و تشکیل مجمع روحانیون مبارز از بدنه آنها، شکل‌گیری انصار حزب‌الله و کارگزاران، جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، حزب اسلامی کار، جبهه مشارکت ایران اسلامی و ده‌ها حزب و تشکل دیگر از نمره‌های تقویت جناح‌بندی در درون نظام بود.

پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی سال ۱۳۷۶ و متعاقب آن تشکیل جبهه دوم خرداد برای انجام اصلاحات اساسی در کشور که بعداً به تاسیس حزب مشارکت نیز انجامید، اولین جرقه‌های تاثیرگذاری احزاب بر نظام مدیریتی جامعه را شعله‌ور کرد. تجربه دوم خرداد نشان داد که ساماندهی فضای سیاسی و اجتماعی کشور و متشکل کردن تقاضاهای مردمی

و نمی‌توانند کادرسازی کنند، اما به صورت یک طیف فکری عمل کرده و خود را فراتر از حزب می‌بینند و دارای مواضع بیکارچه‌ای هم نیستند. جناح‌ها به دلیل نداشتن کادر و برنامه لازم برای اداره کشور، بیش از آن که مانند احزاب دنبال کسب قدرت باشند، در پی تاثیرگذاری در سیاست‌ها هستند، در حالی که تشکل‌ها و احزاب ارتباط تشکیلاتی دارند و مواضع آنها نسبت به جناح‌ها از ثبات بیشتری برخوردار است.

تا پیش از برکناری ابوالحسن بنی‌صدر در سال ۱۳۶۰ جناح‌های سیاسی عمدتاً در دو گروه 'اسلامی' و 'ملی' فعالیت می‌کردند اما پس از

شکل‌گیری جناح‌بندی‌های سیاسی در ایران و گسترش فعالیت در لایه‌های مدیریتی و حکومتی که پس از وقوع انقلاب اسلامی رخ داده بود، به تدریج در گذر زمان، به ویژه برگزاری انتخابات هفتم مجلس شورای اسلامی و سپس نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در حال تغییر مفاهیم و کارکرد اصلی خود است.

در سال‌های اولیه انقلاب که برخی از مسوولان حکومتی در باره مسایل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارای اختلاف نظر بودند، با گرد آمدن حول یک محور، به رشد حرکت جناحی در کشور کمک کردند تا پدیده 'جناح‌بندی' در درون حاکمیت نظام شکل گیرد، اما پس از تشکیل مجلس هفتم و زایش تشکل‌های جدید که افزایش آنها به انتخابات ریاست جمهوری هم رسید، باعث تغییر و تحولاتی در مفاهیم و کارکرد جناحی و حزبی شد، به طوری که در آستانه همین دوره انتخابات ریاست جمهوری چند تشکل و جبهه جدید سیاسی که از انشعاب گروه‌های زیرمجموعه جناح‌ها به وجود آمده بودند، پا به عرصه فعالیت گذاشتند تا بدین ترتیب از نقش و تاثیر جناح‌ها در معادلات قدرت کاسته و به تاثیر و اهمیت بیشتر احزاب در اداره کشور افزوده شود.

اگر چه جناح‌ها بر خلاف احزاب، دارای اساسنامه، مراسمنامه و برنامه عملی مدون نیستند

انتخابات ریاست
جمهوری باعث
شفافیت بیشتر و
شکل‌گیری
دسته‌بندی‌های
جدید سیاسی شده
است

نیاز به قالب‌های جدیدی دارد که باید با نگرشی نو و حرکتی تازه فارغ از روزمرگی و فرقه‌گرایی، فرصت‌ها و امکانات برآمده از روند تکاملی و پویایی جامعه را قدر شناخت و از آنها در جهت نهادینه کردن مشارکت مردم بهره گرفت.

از این مقطع به بعد به تدریج مشخص شد که دیگر سازمان‌های سنتی و قالب‌های تشکیلاتی قدیمی که در چارچوب جناحی عمل می‌کنند، ظرفیت لازم برای ساماندنی مشارکت توده‌ای را ندارند و باید اشکال نوینی از سازماندهی اجتماعی و سیاسی که با زایش احزاب و تشکل‌های مدرن همراه باشد، به وجود آیند.

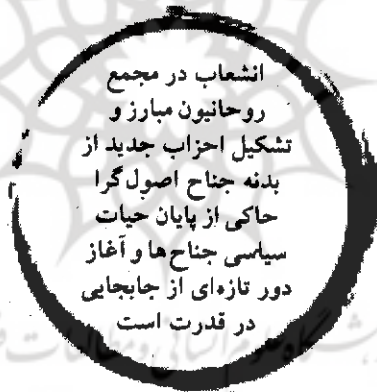
بدین ترتیب در آستانه انتخابات مجلس هفتم گروهی از اصول‌گرایان که خود را مقید به فعالیت صرف در جناح‌ها نمی‌کردند، با انتخاب نام "آبادگران" ورود خود را به صحنه سیاسی که پیش از آن با کسب کرسی‌های شوراهای آغاز شده بود، جشن گرفتند تا اولین زرمزه ناکارآمدی جناح‌های سنتی به گوش برسد. هر چند عملکرد چندانی مناسب برخی از اصلاح‌طلبان و نیز کارشکنی‌های رقیب و مساعدت‌های شورای نگهبان در این پیروزی سهمیم بود، اما سیاسی شدن بیش از حد جامعه و عملی نشدن شعارها و برنامه‌های جناح‌ها نیز در این مساله تاثیرگذار بود.

ورود آبادگران به مجلس هفتم عزم آنها را برای اداره سیستم اجرایی کشور راسخ‌تر کرد، به گونه‌ای که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، آرایش نیروهای سیاسی دستخوش تغییر و تحول اساسی شد و اولین بار به جای اجماع جناح‌ها روی یک نامزد خاص، پدیده تکثر داوطلبان و تشکل‌های جدید جایگزین آن شد.

در واقع انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم باعث شفافیت بیشتر و شکل‌گیری دسته‌بندی‌های جدید سیاسی شد. این دوره انتخابات نشانگر آن است که دیگر تقسیم‌بندی‌های موسوم در باره جناح‌های سیاسی کاربرد چندانی ندارد و نمی‌توان از این پس حاکمیت در نظام را به دو گروه اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب و یا چپ و راست تقسیم کرد. مطالبات سیاسی و اجتماعی مردم از یک طرف و افزایش دامنه اختلافات و داعیه سهم‌خواهی بین گروه‌های سیاسی از طرف دیگر باعث روشن شدن تصویر گرایش‌های موجود در ساختار حکومت شده و امکان نام‌گذاری به سبک و سیاق گذشته را سلب کرده است.

در وضعیت کنونی جناح اصول‌گرا به شاخه‌های سنتی، رادیکال، عمل‌گرا و تحول‌خواه تقسیم شده که هر شاخه رهبریت یک جریان سیاسی را عهده‌دار است. اصول‌گرایان سنتی که عمدتاً شامل جامعه روحانیت و حزب مؤتلفه هستند، با سایر جریان‌های این جناح مانند آبادگران و ایثارگران (شاخه رادیکال این جناح)، عمل‌گرایان (کارگزاران) و تحول‌خواهان (طرفداران قالیباف) که نام اصول‌گرایان اصلاح‌طلب را بر خود گذاشته‌اند) دارای اختلاف نظر هستند.

در جبهه اصلاحات نیز وضعیت تقریباً مشابهی حاکم است. در این جریان نیز عناصر سنتی شامل مجمع روحانیون، اصلاح‌طلبان پیشرو یعنی جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و عناصر معتدل مانند حزب همبستگی حضور دارند که هر کدام دارای گرایش‌های مختلف فکری هستند که امکان انشعاب و شکل‌گیری گروه‌های جدید سیاسی را به راحتی امکان‌پذیر



کرده است. مصداق این امر، اعتراض سازمان یافته کروی به نتایج انتخابات و به دنبال آن استعفا از مجمع تشخیص مصلحت نظام و خروج از مجمع روحانیون مبارز است. کروی به‌عنوان برخی همکاران خود در مجمع رضایت ندارد، تصمیم گرفت خارج از دایره حکومت یا تشکیل حزب "اعتماد ملی" بیکره گسسته جناح چپ را در قالبی جدید سازماندهی کند تا با نیروهای تازه نفس آماده بازگشت به عرصه سیاست شود.

هاشمی رفسنجانی رقیب اصلی او نیز که کمتر کسی باور می‌کرد از یک نیروی جوان و نه چندان شناخته شده آبادگران شکست بخورد، در اقدامی مشابه صحبت از تشکیل جبهه اعتدال اسلامی کرده تا به گونه‌ای جلوی اقدامات تندروانه برخی از گروه‌های سیاسی را بگیرد.

در همین حال گروهی از اصلاح‌طلبان نیز به همراه بخشی از کارگزاران اقدام به تشکیل "جبهه اصلاح‌طلبان ایرانی اسلامی" کرده‌اند که افراد آن شامل نیروهای اصلاح‌طلب حامی خاتمی در انتخابات سال‌های ۷۶ و ۸۰ و تشکل‌های غیردولتی اصلاح‌طلب می‌شود که خط‌مشی آن دفاع از اصلاحات با رویکردی تازه به روابط بین‌الملل است.

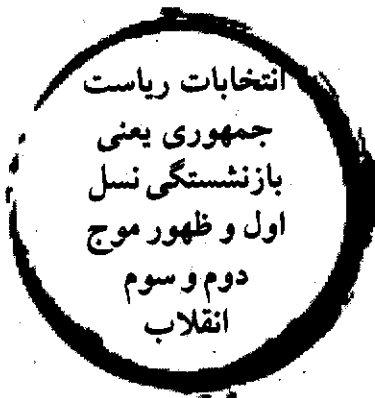
اما آبادگران که به ظاهر تشکیلات سازمانی خاص ندارد، با کسب پیروزی در انتخابات شوراهای و مجلس هفتم سر‌نازگاری با پدید آوردندگان خود گذاشت و با حمایت از احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سهم خود را از گروه‌های همسو جدا کرد. این گروه به گفته باهنر چشم‌به‌انتخابات مجلس خبرگان دوخته است. اگر چه جمعیت ایثارگران در مرحله اول قالیباف را بر احمدی‌نژاد ترجیح دادند اما در مرحله دوم به ناچار از او حمایت کرد.

اکنون که آبادگران یک تاز عرصه‌های حکومتی شده‌اند، قصد دارند با احیای این تشکل نیروهای تحت امر خود را در قالب حزبی جدید سازماندهی و به تنها حزب حکومتی قدرتمند در کشور تبدیل شوند. ولی سوال این است که آیا آنها به سرنوشت حزب جمهوری اسلامی دچار نخواهند شد؟ بدین ترتیب رشد و سازماندهی حرکت جناحی در کشور که تا قبل از انتخابات سال ۸۴ در گروه عملکرد دو جناح اصلی کشور بود، پس از انتخابات به تدریج در حال رنگ باختن است و عملاً جناح‌های راست و چپ که شاخص تمایز دو

دیدگاه و تفکر خاص سیاسی و اقتصادی هستند، دیگر فقط در ظاهر وجود دارند ولی در عمل قدرت تصمیم گیری جای دیگری است که از این پس با ظهور احزاب جدید برآمده از این دو جناح نمایانگر می شود.

به گفته ناظران سیاسی نیروهای شناخته شده و نسل اولی هر دو جناح از این پس باید باز نشسته شوند یا با کادر سازی فعال و تجدید نظر اساسی در ساختار و تشکیلات خود، بتوانند تا حدی قدرت اولیه را حفظ کنند.

با توجه به عملکرد جدایی طلبانه گروه ها و تشکل های سیاسی عضو هر دو جناح عمده کشور به نظر می رسد دیگر زمان حاکمیت و تاثیر گذاری جناح ها بر معادلات قدرت در حال اتمام است و این نقش را به تدریج احزاب و گروه های جوان و در واقع نسل دوم انقلاب دارند بر عهده می گیرند. تقسیم حاکمیت نظام به دو گروه راست یا چپ دیگر کاربرد موثری ندارد زیرا در هر دو گروه افرادی حضور دارند که اعمال و دیدگاههایشان در قالب یک جناح خاص نمی گنجد. در جناح اصول گرا که راست گرا و مایل به بازار و اقتصاد باز هستند افرادی



این طیف نیز در ساخت سیاسی سهیم و شریک شود.

این طبقه نوظهور که در واقع از شکاف های طبقاتی حاصل از دوران هاشمی و خاتمی بروز کرده است، با شعارها و برنامه های اقتصادی خاص خود برای رفع مشکلات اقتصادی کشور و مقابله با تبعیض ها و بی عدالتی ها روی کار آمده و با حمایت از لایه های اجتماعی و توده های مردم درصدد است ماموریت حفظ و نگهداری انقلاب از دست رانت خوران و قدرتمندان را ایفا کند.

نظام و انقلاب به نظر می رسد در حال حاضر به چهره های نوگرا و جوان که دارای پایگاه اجتماعی پایین تری نسبت به رجال بزرگی مانند هاشمی و کروبی هستند، نیاز دارد تا با تشکیل حلقه های کامل از وفاداران اصلی به نظام، محرومان جامعه را جذب خود کند تا با جایجایی قدرت، ساختار سنتی کشور دچار تغییر و تحول اساسی شود.

هر چند که این گروه جدید هنوز کارنامه و عملکرد خاصی از خود به جای نگذاشته، اما به نظر می رسد با توجه به نبودن هیچ مانع بر سر راه آبادگران، بتواند با کسب تجربه بیشتر در چند سال آینده پاسخگوی مطالبات محرومان باشد، اما اگر اینها نیز نتوانند مانند اسلاف خود به حجم انبوه مطالبات مردمی پاسخ دهند شاید بار دیگر خشونت جامعه را فرا گیرد، زیرا در صورت انتقال نظامی ها به عرصه سیاست، به نوعی قدرت و اقتدار نهادینه می شود و ممکن است به امنیت ملی صدمه بزند. با توجه به نکات ذکر شده می توان پیش بینی کرد که قدرت کماکان در طی چند سال آینده در دست افراد نسل دوم خواهد بود تا افراد این نسل آرام آرام عرصه های قدرت را به دست گیرند و با سازماندهی خود بتوانند به تثبیت قدرت در نظام شکل نوینی بخشند.

انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ را می توان به معنای واقعی یکی انقلاب سوم و جایجایی اصولی در قدرت تلقی که پیامد و پیام آن باز نشستگی نسل اولی ها و ظهور موج دوم و سوم انقلاب است. ولی اگر این افراد از خود استقلال رای داشته و تحت تاثیر کانون های قدرت قرار نگرفته و به شعارها و وعده هایی که داده اند عمل کنند موفق شده و قادر خواهند بود افکار عمومی را با خود همراه سازند در غیر این صورت به دیگر گروه ها و جناح هایی خواهند پیوست که پس از مدتی ستاره بخت و اقبال افول کرد.

از دیدگاه اقتصاد دولتی و بسته حمایت می کنند. در جناح اصلاح طلب نیز که به چپ مشهور است نمی توان تعاریف موسوم در خصوص نگرش های چپ گرایانه را جستجو کرد، زیرا در این طیف هم افراد و عناصری وجود دارند که دارای تفکرهای سنتی چپ تا راست مدرن هستند که هر کدام مطالبات خاص خود را دارند.

در چنین وضعیتی به نظر می رسد صاحبان و رهبران جناح ها باید با تجدید نظر در تفکر و خط مشی خود و نیز همگام با مدیران نسل دوم انقلاب، به تغییر و تحولات خواسته یا ناخواسته تن داده و اقدام به جذب نیروهای تازه و جوان کنند.

تئوری فروپاشی اردوگاه جناح ها پس از انتخابات ریاست جمهوری شاید یکی از پیامدهای مهم این دوره از انتخابات باشد، اما بدون شک نیروهای وفادار به انقلاب و نظام که اکنون پس از چندین سال کارکرد اصلی خود را از دست داده اند. حتی برخی از آنها منتقد و اپوزیسیون شده اند، ایجاب می کرد و می کند که برای بهره مندی مجدد از جبهه وفاداران انقلاب، جایجایی در قدرت صورت گیرد و قدرت به لایه های پایین جامعه برسد تا

شرکت تولیدی و مهندسی



حرارت گستر

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹
 * دارای تاییدیه نقشه سافت دیگ بخار و آب داغ از TÜV آفریس *

تولید کننده :

دیگ بخار	فیلتر شنی
دیگ آب داغ و آب گرم	سی الکاالبرز
دی اریتور	فلانش تانگ بخار
سختی گیر	جدا کننده آب از بخار
منبع کوپل دار	جدا کننده هوا از آب
مبدل حرارتی	منبع کنده اس

نشانی: تهران - خیابان طالقانی شرقی - شماره ۵۴۳ - صندوق پستی: ۵۳۷۱-۱۵۸۷۵
 تلفن: ۷۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۷۶۰۵۸۸۹ فاکس: ۷۷۶۰۴۵۳۱